

یادداشت



ایمان زنگنه

عضو هیأت مدیره انجمن اقتصاد دانان ایران

ضرورت اصلاح ساختاری صندوق‌های بازنشتی

در چند سال اخیر صندوق‌های بازنشتی به یکی از محورهای اصلی بحث‌های اقتصادی ایران تبدیل شده‌اند؛ چرا که میلیون‌ها نفر مستقیماً به عملکرد این صندوق‌ها وابسته‌اند. این نهادها در طول دوران کاری افراد منابع مالی جمع‌آوری می‌کنند تا از طریق سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور، بتوانند در دوران بازنشتی مستمری بگیران را تأمین کنند و حداقل نیازهایشان را پوشش دهند. با این حال، افزایش طول عمر و بهبود شاخص‌های سلامت باعث شده دوره پرداخت مستمری طولانی‌تر شود و فشار مالی بر صندوق‌ها افزایش یابد. در بسیاری از کشورها صندوق‌ها منابع خود را در پروژه‌های کلان و بلندمدت سرمایه‌گذاری می‌کنند، اما در ایران چنین تجربه‌ای وجود ندارد و صندوق‌ها درآمد پایدار ایجاد نکرده‌اند.

علاوه بر این، استفاده از مدل‌های اکچوئری برای سن‌جش پایدار و بلندمدت صندوق‌ها در ایران محدود و غیرشفاف است.

یکی از عوامل داخلی مهم فشار بر صندوق‌ها، عدم ایفای تعهدات دولت است. سهم دولت که باید به موقع پرداخت می‌شد، یا وصول نشده یا به صورت تهاوت با سهام‌های کم کیفیت انجام شده است.

این سهام‌ها اغلب قابلیت مدیریت نداشتند و صندوق‌ها در بهره‌وری آن‌ها ناتوان بودند. مدیریت صندوق‌ها نیز با مشکلات ساختاری و سیاسی مواجه است؛ اعضای هیئت مدیره و مدیران اجرایی بدون شایستگی حرفه‌ای منصوب شده‌اند و شرکت‌های وابسته تحت مدیریت تا کارآمد قرار گرفته‌اند. این ناکارآمدی‌ها مانع سرمایه‌گذاری مؤثر و بازدهی مطلوب صندوق‌ها شده و به بحران مالی آنها دامن زده است.

نسبت شاغل به بازنشسته در ایران نیز به شدت کاهش یافته و از چهار به یک که پیش‌تر رایج بود، به یک به یک یا دو به یک رسیده است.

این نسبت پایین فشار مالی قابل توجهی بر منابع صندوق‌ها وارد می‌کند و یکی از دلایل اصلی ناکارآمدی مالی آن‌ها به شمار می‌رود.

سیاست‌های بازنشتی زود هنگام و استخدام‌های بی‌ضابطه در نهادها و وابسته، مشکل را تشدید کرده و ساختار هیئت مدیره‌های متعدد و گسترده شفافیت و حسابرسی دقیق را مختل کرده است.

برخی صندوق‌ها بیش از ۲۵۰۰ عضو هیئت مدیره دارند، اما اطلاعات مشخصی درباره عملکرد و شایستگی آنان ارائه نمی‌شود.

با وجود این چالش‌ها، اصلاح صندوق‌ها ممکن است، اما نیازمند اراده حاکمیتی قوی و شفاف است. حکمرانی صندوق‌ها باید بر پایه شایستگی و مدیریت حرفه‌ای باشد، نه وابستگی به جریان‌های سیاسی یا روابط گروهی. مدیریت می‌تواند برونسپاری شود، مشروط بر حفظ مسئولیت و افزایش سودآوری.

اصلاحات ساختاری باید با توجه به شرایط اقتصادی و محدودیت‌های تحریمی برنامه‌ریزی شود؛ زیرا بدون مدیریت صحیح و انتخاب پروژه‌های مناسب، بازدهی صندوق‌ها به سختی تأمین می‌شود.

الیه ابراهیمی

روزنامه نگار



نسل آینده از نسل قبل طلبکار خواهد بود

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارش سیاستی جدید خود با همکاری مؤسسه راهبردهای بازنشتی صبا تهیه شده، نسبت به آغاز مرحله تازه‌ای از گذار جمعیتی در ایران هشدار داده؛ مرحله‌ای که با بسته شدن «پنجره سود جمعیتی نخست» و نزدیک شدن کشور به دوران «سالمندی جمعیت» همراه است. این گزارش تأکید دارد که آینده اقتصادی و اجتماعی ایران در گرو اصلاح نظام بازنشتی، تقویت الگوهای پس‌انداز و سپرده‌گذاری شخصی و سرمایه‌گذاری در نیروی کار جوان و زنان است؛ اموری که اگر به موقع انجام نشوند، فشار مضاعفی بر نظام‌های حمایتی، خانوارها و پایداری مالی دولت وارد خواهند کرد.

گذار جمعیتی؛ فرصتی در حال زوال

تحولات جمعیتی ایران در چهار دهه اخیر از یک دوره «پرپاری کودکی» به «جوانی و میانسالی» رسیده است. کودکانی که در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ متولد شدند، امروز در سنین میان‌سال‌اند و طی دهه آینده وارد دوره سالمندی خواهند شد. این دگرگونی، حاصل کاهش نرخ باروری، افزایش امید به زندگی و تغییر رفتارهای خانوادگی است. بر اساس برآوردهای سازمان ملل متحد، از حدود سال ۱۴۴۵ نرخ رشد جمعیت ایران منفی خواهد شد. گزارش وزارت تعاون تأکید می‌کند که دوره کنونی، آخرین فرصت برای بهره‌گیری از «سود نخست جمعیتی» است؛ سودی که از افزایش جمعیت در سن کار و کاهش نسبت وابستگی ناشی می‌شود. اما این پنجره جمعیتی در حال بسته شدن است و در صورت بی‌توجهی به سیاست‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، کشور فرصت بهره‌گیری از «سود دوم جمعیتی» را نیز از دست خواهد داد؛ سودی که از محل

انباشت سرمایه، پس‌اندازهای خانوار و مشارکت سالمندان در فعالیت‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. از سویی از منظر چرخه عمر، افراد در دوران کودکی و سالمندی به دولت یا خانواده وابسته‌اند، اما در دوران اشتغال (میان‌سال) درآمدزا و پس‌اندازکننده هستند. بنابراین، زمانی که جمعیت سالمند افزایش یابد و نسبت جمعیت شاغل کاهش پیدا کند، فشار اقتصادی بر خانوارها و نظام‌های بازنشتی تشدید می‌شود. در حال حاضر، ایران با شتابی بالا به سمت سالخوردگی پیش می‌رود. براساس داده‌های رسمی، گروه سنی ۳۰ تا ۴۹ ساله بیشترین سهم را در رشد جمعیت کنونی دارند، اما از سال ۱۴۲۰ به بعد، رشد جمعیت سالمند ۶۵ تا ۸۴ ساله بر سایر گروه‌ها غلبه خواهد کرد. وزارت تعاون هشدار می‌دهد که بدون اصلاحات ساختاری، این تغییر می‌تواند به بحران‌های مالی در صندوق‌های بازنشتی، کاهش نرخ پس‌انداز ملی و رشد نابرابری بین‌نسلی منجر شود.

نگاهی به تجربه جهانی

گزارش مؤسسه صبا به تجربه کشورهایی اشاره می‌کند که پیش از ایران با موج سالمندی مواجه شدند. ژاپن با افزایش سن بازنشتی، اصلاح نظام بیمه و تشویق مشارکت سالمندان در بازار کار توانست فشار بر نظام تأمین اجتماعی را کاهش دهد. آلمان و دیگر کشورهای اروپایی نیز از طریق گسترش بیمه‌های خصوصی بازنشتی، تقویت سازوکارهای پس‌انداز خانوار و جذب نیروی کار مهاجر، توانستند تعادل جمعیتی خود را حفظ کنند. کره جنوبی که با سرعتی مشابه ایران به سمت سالخوردگی پیش رفته، با اجرای سیاست‌های پس‌انداز اجباری، سرمایه‌گذاری در آموزش جوانان و زنان، و توسعه

صنایع فناوری محور، پایه‌های اقتصادی خود را تقویت کرده است. در چین نیز ایجاد صندوق‌های پس‌انداز فردی، تمرکز بر بیمه‌های سلامت و گسترش نظام بازنشتی اجتماعی، به تضمین آینده‌رفاهی سالمندان منجر شد. این گزارش نتیجه می‌گیرد که ایران نیز باید از هم‌اکنون با بهره‌گیری از این تجربیات، مسیر گذار جمعیتی خود را مدیریت کند و با سیاست‌های هوشمندانه، از تبدیل فرصت جمعیتی به بحران اجتماعی جلوگیری نماید.

راهبردهای عبور از گذار جمعیتی

در ایران، بهره‌مندی از سود نخست جمعیتی از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز شد و برآوردها نشان می‌دهد تا سال ۱۴۰۶ ادامه دارد. در این دوره، افزایش جمعیت در سن کار به رشد اقتصادی حدود دو درصدی کمک کرده است. اما پس از آن، تنها در صورتی می‌توان از «سود دوم جمعیتی» بهره برد که سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، افزایش بهره‌وری و تقویت نظام‌های پس‌انداز شخصی در دستور کار قرار گیرد. سود دوم جمعیتی در واقع فرصتی است برای انتقال ثروت میان نسلی و تضمین رفاه پایدار. اگر خانوارها در دوران اشتغال بتوانند دارایی‌هایی چون مسکن، سهام، یا سپرده‌های بلندمدت انباشته کنند، در دوران سالمندی از وابستگی به دولت کاسته می‌شود. اما تحقق این هدف، نیازمند اعتماد عمومی به نظام‌های مالی و شفافیت در مدیریت صندوق‌هاست.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مؤسسه صبا در این گزارش مجموعه‌ای از راهبردها را برای عبور از گذار جمعیتی و پیشگیری از بحران‌های آتی ارائه کرده‌اند. این پیشنهادها در چهار محور اصلی خلاصه می‌شوند: نخست، اصلاح نظام بازنشتی و تأمین اجتماعی. بر

این اساس سالخوردگی جمعیت اجتناب‌ناپذیر است و بدون اصلاح ساختار بازنشتی، فشار بر صندوق‌ها افزایش می‌یابد. افزایش سن بازنشتی متناسب با طول عمر، کاهش وابستگی نظام‌ها به بودجه عمومی و تقویت بیمه‌های مکمل از جمله پیشنهادهای کلیدی این بخش است. دوم، اتخاذ سیاست‌های بهداشتی مؤثر. بر اساس این موضوع افزایش امید به زندگی و کاهش مرگ‌ومیر سالمندان می‌تواند به افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک کند؛ مشروط بر آنکه سیاست‌های سلامت عمومی و پیشگیری از بیماری‌های مزمن به‌درستی اجرا شود. گزارش تأکید دارد که سلامت نیروی کار، پیش شرط تحقق سود دوم جمعیتی است. گام سوم، تقویت پس‌انداز و انباشت ثروت در چرخه عمر است. در حالی که نظام پرداخت‌های بازنشتی در ایران عمدتاً بر تأمین جاری متکی است، لازم است سازوکارهای جدیدی برای پس‌انداز شخصی و سرمایه‌گذاری خانوارها ایجاد شود. این امر به‌ویژه برای اقشار متوسط و زنان شاغل اهمیت دارد، زیرا می‌تواند به امنیت مالی آنان در دوران سالمندی بینجامد.

در نهایت سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی نسل جوان و زنان است. بر تکیه بر گزارش صبا بر ضرورت توجه به اشتغال جوانان و افزایش مشارکت اقتصادی زنان تأکید دارد. کاهش نرخ بیکاری تحصیل کردگان، افزایش دسترسی به آموزش مهارت محور و حمایت از کارآفرینی زنان از جمله سیاست‌های پیشنهادی است. به باور کارشناسان، مشارکت فعال زنان می‌تواند نوعی «سود جنسیتی» ایجاد کند که به جبران کاهش نرخ باروری و رشد اقتصادی کمک می‌کند.

تغییرات اجتماعی در دوره گذار

تحولات جمعیتی تنها مسئله‌ای اقتصادی نیست، بلکه در عمق خود بازتابی از تغییرات فرهنگی، خانوادگی و نسلی در جامعه ایران است. افزایش سالمندان، تغییر در الگوهای خانوادگی و کاهش وابستگی بین‌نسلی، به‌تدریج ساختار اجتماعی کشور را دگرگون می‌کند. خانواده‌هایی که پیش‌تر از اولاد خود نگهداری می‌کردند، اکنون درگیر مشکلات اشتغال و هزینه‌های فرزندان‌اند.

در چنین شرایطی، گسترش نهادهای حمایتی، خدمات مراقبت از سالمندان، و توسعه نظام‌های بازنشتی مبتنی بر پس‌انداز شخصی، نه‌تنها ضرورتی اقتصادی بلکه ضرورتی اجتماعی است. این نهادها می‌توانند نقش مهمی در کاهش احساس ناامنی، تقویت همبستگی بین‌نسلی و حفظ کرامت سالمندان ایفا کنند.

راهی به سوی پایداری نسلی

گزارش سیاستی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر این نکته تأکید دارد که سالخوردگی جمعیت در ایران دیگر یک پدیده آینده‌نگر نیست، بلکه واقعیتی آغازشده و پرشتاب است. تأخیر در اصلاحات ساختاری می‌تواند فرصت‌های جمعیتی کشور را از بین ببرد و موجب بحران در نظام بازنشتی، سلامت و عدالت بین‌نسلی شود. بر این اساس، وزارت تعاون و مؤسسه صبا سه رویکرد اصلی را برای سیاست‌گذاری آتی پیشنهاد کرده است که مهمترین آن آینده‌نگری مالی و نهادی است. در این پیشنهاد صراحتاً به موضوع طراحی صندوق‌های بازنشتی پایدار، شفاف و متنوع تأکید شده است.

دولت رفاه، ضرورتی برای بقا و همبستگی است

یک جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «آتی‌نو» هشدار می‌دهد گذار جمعیتی ایران با تهدیدهای اجتماعی، روانی و فرهنگی گسترده همراه و تقویت نظام رفاه برای نسل جوان موضوعی حیاتی است

ایران در آستانه یکی از بزرگ‌ترین تحولات جمعیتی تاریخ خود قرار دارد. افزایش طول عمر، کاهش نرخ باروری و تغییر سبک زندگی خانوادگی، جامعه را به سمت سالخوردگی سوق داده است. امان‌الله قرائی مقدم، جامعه‌شناس، با هشدار نسبت به تهدیدهای اجتماعی این روند می‌گوید: «اگر دولت نظام رفاه و تأمین اجتماعی را تقویت نکند، آینده کشور با بحران اعتماد، امید و همبستگی روبه‌رو خواهد شد.»

● **ایران در آستانه گذار جمعیتی قرار دارد. به نظر شما، سالخوردگی جمعیت علاوه بر نگرانی‌های اقتصادی چه پیامدهای اجتماعی و فرهنگی به دنبال دارد؟**

افزایش طول عمر و کاهش نرخ باروری باعث شده جامعه ما به سمت جمعیت سالمند حرکت کند. وقتی امنیت معیشتی سالمندان تأمین نشود، ناامنی روانی و اجتماعی گسترش می‌یابد. کارمندی که نمی‌داند دوران بازنشتی‌اش چه خواهد شد، دائماً مضطرب است و این اضطراب بر

سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی تأثیر می‌گذارد. سبک زندگی شهری و کوچک شدن خانواده‌ها هم نگهداری از سالمندان را دشوار کرده است. بنابراین دولت باید با گسترش بیمه‌های درمانی، خانه‌های سالمندان و خدمات حمایتی، احساس امنیت اجتماعی را تقویت کند. در غیر این صورت، جوانان دچار ناامیدی می‌شوند، ازدواج کاهش می‌یابد، طلاق افزایش می‌یابد و مهاجرت نخبگان شدت می‌گیرد.

● **اگر این رنگ خطر جدی گرفته نشود، چه آسیب‌های اجتماعی در آینده متوجه سالمندان خواهد شد؟**

بی‌توجهی به رفاه سالمندان باعث سقوط طبقه متوسط خواهد شد. بسیاری از کسانی که امروز کارمند یا کارکنان متوسط هستند، به دلیل ناکافی بودن حقوق بازنشتی به طبقه پایین سقوط می‌کنند. این نارضایتی اجتماعی می‌تواند موج‌های اعتراض ایجاد کند و تأثیر روانی خود را بر نسل جوان بگذارد. سالمندانی که سرپناه و درآمد مشخص

ندارند، امید را از جامعه می‌گیرند و فرار مغزها افزایش می‌یابد. کنار این، حذف سالمندان از محیط خانواده، پیوندهای عاطفی را تضعیف می‌کند و بنیان خانواده آسیب می‌بیند؛ نتیجه طبیعی آن کاهش ازدواج و افزایش طلاق است.

● **پیش از این هشدار داده شد، اما جدی گرفته نشد. در این رابطه، پیشنهاد شما به مسئولان چیست؟**

سابقه تاریخی نشان می‌دهد بدون رفاه، پایداری اجتماعی ممکن نیست. در دوران هخامنشی زنان دو برابر مردان حقوق می‌گرفتند و بیمه اجتماعی وجود داشت. امروز هم باید حمایت مالی، درمانی و اجتماعی از سالمندان سرمایه‌گذاری برای نسل آینده باشد. دولت باید با ایجاد نظام درمانی رایگان، افزایش حقوق بازنشتی‌گان و توسعه خدمات اجتماعی، رفاه سالمندان را تضمین کند. این نه لطف، بلکه وظیفه دولت است و پایه اعتماد، امید و همبستگی اجتماعی کشور را محکم می‌کند.